



انترناسیونال ۳۹۵

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۹ فروردین ۱۳۹۰، ۸ آپریل ۲۰۱۱

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سر دبیر: کاظم نیکخواه



اول مه را گسترده و سراسری برپا داریم

گفتگو با شهلا دانشفر

جهانی کارگر نام گرفت و از آن زمان تا کنون هر ساله در سراسر جهان این روز بعنوان روز اعتراض و اتحاد کارگران ارج گذاشته میشود. روزی که توجه ها بطرف کارگران و همچنین ستم و استثمار سرمایه

صفحه ۳

روز جهانی کارگر است. روز نمایش اتحاد جهانی کارگران. ۱۲۳ سال قبل بخاطر گرامیداشت مبارزات جانانه کارگران شیکاگو برای هشت ساعت کار و سرکوب خونی که شدند، این روز، بعنوان روز

انترناسیونال: شهلا دانشفر به اول مه روز جهانی کارگر نزدیک میشود. بطور کلی جایگاه و اهمیت این روز را چگونه توضیح میدهد؟

شهلا دانشفر: اول ماه مه،

قرآن سوزانی و جنایت، و سرایشب اسلام سیاسی



کاظم نیکخواه

کتاب سوزانی و مجازات جمعی، دو موضوعی است که با اقدام یک کشیش آمریکائی از یک طرف، و جنایتی تکان دهنده توسط جریانات اسلامی در افغانستان از سوی دیگر، جلوی صحنه آمد. در مورد این موضوع از جنبه های مختلفی میشود سخن گفت. اینجا من میخواهم به همین دو سنت یعنی مجازات و انتقام گیری جمعی، و کتاب سوزانی پیردازم و استنتاجاتی از آن را طرح نمایم:

این هفته بازهم جنبش اسلامی فاجعه آفرید و قربانی گرفت. مسلمانان متعصب کف بر دهان آورده و مسلح به شمشیر و کلاشنیکف و چماق و قمه، بیش از بیست نفر از کارکنان زن و مرد سازمان ملل را در شهرهای قندهار و مزار شریف در افغانستان کشتار کردند و شمار بسیار بیشتری را زخمی کردند. بهانه آنها سوزاندن چند جلد قرآن در کلیسایی در فلوریدا بود. میگویند با سوزاندن قرآن احساسات مسلمانان جریحه دار شده است و به همین دلیل چند نفر از کارگران و کارکنان سازمان ملل را که از کشور نیپال و نروژ و سوئد و برخی کشورهای دیگر بوده اند وحشیانه کشتار کردند. گزارشهایی میگویند سه نفر از قربانیان را سر بریده اند.

به خود اینکه سوزاندن قرآن و کلا کتاب نیز سنت تاریخی جریانات مذهبی و بویژه مسیحیت و اسلام است در ادامه خواهم پرداخت، اما نفس همینکه در فلوریدا کشیشی چند جلد قرآن میسوزاند و در این سردنیا در قندهار و مزار شریف کسانی کشتار میشوند که مطلقا ارتباطی به موضوع

صفحه ۲

منشور جنبش سرنگونی و فعالین حزب در ایران

طلبانه و انقلابی مردم است. انتشار این سند گامی در جهت شفاف و منسجم کردن صف اعتراضات و مبارزات مردم علیه جمهوری

صفحه ۴

منشور جنبش سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، همانطور که در سند مصوب حزب کمونیست کارگری ایران توضیح داده شده، پرچم و سند هویت جنبش سرنگونی

فراخوان حزب کمونیست کارگری خطاب به مردم:

قبض ها را نپردازید

ادارات گاز و میادین شهرها را به بسرعت در سراسر کشور گسترده میشود. ما تاکنون در چندین اطلاعیه خبر تجمعات مردم در شهرهای خرم آباد، الیگودرز، کرمانشاه، نجف آبادازنا، درود و شازند در مقابل

صفحه ۹

نپرداختن قبض های آب و برق و گاز نپرداختن قبض های آب و برق و گاز نپرداختن قبض های آب و برق و گاز

بازتاب هفته

حذف جمهوری اسلامی بجای حذف صفر

نوروز آنها و نوروز مردم

قاچاق اسلحه، یک پرونده دیگر

بهبود مهرآبادی

جمهوری اسلامی و انقلابات منطقه

رسوایی دولت آلمان بخاطر واسطه گری برای

جمهوری اسلامی

محمد شکوهی

صفحات ۶-۵

یازده سال پس از کنفرانس برلین

ضربه کاری به هردو جناح جمهوری اسلامی بود و این روزها یازدهمین سالگرد این رویداد است که انعکاس زیادی پیدا کرد و اهمیت ویژه ای در فضای سیاسی ایران پیدا کرد. نوشته زیر که در شماره ۳۴۴ نشریه انترناسیونال منتشر شد، در عکس

صفحه ۱۰

این روزها خبرگزاری فارس در نوشته ای تحت عنوان "کنفرانس برلین نمادی از عقبه فکری جریان فتنه" کنفرانس برلین را تلاشی برای براندازی جمهوری اسلامی توسط دوم خردادها خوانده است. شکست کنفرانس برلین که در فاصله ۱۹ تا ۲۱ فروردین سال ۷۹ برگزار شد یک

صفحات دیگر

کارگران ریسندگی و بانفدگی کاشان دست به تجمع

اعتراضی زدند

صفحه ۵

در روز ۷ آوریل زندانیان سیاسی را از یاد نبریم

گزارش یک تظاهرات در اسلو، نروژ

صفحه ۷

مردم سلیمانیه نیروهای سرکوب دولت کردستان

عراق را گوشمالی دادند

تظاهرات در شهر سلیمانیه و دیگر شهرهای کردستان

ادامه دارد

یاد محمد آزادی جوانی را که بخاطر فقر خود را

کشت، گرامی میداریم

صفحه ۸

مردم کرمانشاه هم از پرداخت قبض گاز

خودداری کردند

در سنج هزاران تراکت درمورد قبض ها میان مردم

پخش شد، صفحه ۱۰

قرآن سوزانی و ...

قرآن سوزانی نداشته اند و با نیت و هدف رساندن کمکهای انسانی به این منطقه آمده اند، کل روح و جوهر ماجرا را منعکس میکند. و این نیز قابل توجه است که مراجع و آیت الله ها و آخوندها و مبلغین و شخصیتهای اسلامی حتی "میانه رویهایشان" این کشتار را محکوم نکردند بلکه اغلب با بیانی تایید آمیز به آن برخورد کردند و گفتند مسلمانان احساساتشان جریحه دار شده و "هتک حرمت اسلام توسط کشیش آمریکائی" یعنی سوزاندن قرآن را محکوم کردند.

برای دولتها و بسیاری از سیاستمداران و حتی بسیاری مردم در گوشه و کنار دنیا همینقدر که تعداد کشته ها در همین حدود یعنی بیست سی نفر کشته و صد نفری زخمی "محدود بماند"، و کار به جنگ ها و ترورها و قتل عامهای بیشتر نکشد، اوضاع به خیر گذشته است. کسی دنبال قاتلین را نمیگیرد چون دسترسی ای هم شاید به آنها نباشد. تازه اگر دسترسی ای هم باشد کسی بعنوان قاتل با آنها برخورد نمیکند. مسلمانان آنها را قهرمان ارزیابی میکنند و دولتها کل ماجرا را بعنوان یک موضوع در حوزه دیپلماسی یا جنگ یا هر چیزی دیگری نگاه میکنند. هرچیز دیگری جز اینکه جنایتی بی رحمانه روی داده است. و فقط کافی است شما خود را جای آن پدران و مادران و همسران و فرزندان و همه کسان دیگری بگذارید که عزیزانشان در این ماجرا تکه پاره شده و حتی نمیتوانند امید داشته باشند که پلیسی سرخ ماجرا را بگیرد. نمیتوانند امید داشته باشند که روزی قاتل پیدا و دستگیر و در دادگاهی محاکمه شود. ناچارند کاری نکنند و حرفی نزنند تا احساسات این مسلمانان بیشتر "جریحه دار" نشود و کار به جاهای باریک نکشد.

مجازات جمعی

مجازات جمعی نامی است که برای این نوع جنایت میگذارند اما نام چندان گویایی نیست. مجازات جمعی یعنی اینکه با جنایتی از سوی فردی یا افرادی که به یک گروه باندی اجتماعی مثلا پیروان یک مذهب یا ملت یا قوم تعلق دارد یا عضو یک گروه باندی اجتماعی بحساب می آید، کل افراد آن گروه بندی مستوجب عقوبت میشود و اعضای گروه بندی

از صفحه ۱

ای که قربانی جزئی از آنها حساب میشود، خود را مجاز می بینند که هرکس را از گروه اول که توانستند و به چنگشان افتاد مجازات کنند. کشیش فلوریادی که قرآن را به آتش کشیده هم مسیحی بوده هم آمریکائی، بنابراین از نظر مسلمانان مومن، همه مسیحیان و آمریکائیان از جانب مسلمانان مستوجب عقوبتند. حتی اگر روحشان از ماجرا خبر نداشته باشد. حتی اگر مخالف اقدام کشیش بوده باشند. تازه در این مورد کسانی که کشتار شده اند ظاهرا هیچکدام آمریکایی نبوده اند و معلوم نیست چه مذهبی داشته اند. اما برای مسلمانان متعصب همینکه کارکنان سازمان ملل بوده اند، جزو اتباع آمریکا به حساب می آیند حتی اگر از نپال یا سوئد یا نروژ آمده باشند.

نمونه ای که داریم از آن صحبت میکنیم نسبت به جنایاتی که در دهه های اخیر توسط جریانات اسلامی انجام گرفته یک نمونه بسیار کوچک بحساب می آید. در این چند دهه ما شاهد سر بر آوردن اسلام سیاسی از نوع طالبان و القاعده و جمهوری اسلامی و گروه های تروریست حماس و حزب الله و جهاد امثالهم بوده ایم که بارها و بارها فجایعی عظیم را در تاریخ بشر خلق کرده اند و هزاران و دهها هزار نفر را قربانی کرده اند که هیچکدام فراموش شدنی نیست. یازده سپتامبر، انفجارات متعدد در اروپا، قتل عامهای دهه نود در الجزایر، کشتارهای جمعی در عراق و افغانستان و پاکستان، و بسیاری دیگر را میتوان نام برد. تمام این جنایات نیز تحت همین عنوان یعنی انتقام از پیروان یک مذهب و ملیت و قومیت دیگر انجام گرفته است. بخش زیادی از قربانیان این جنایات کودکان هستند و تنها گناهشان هم اینست که مثلا مسیحی بحساب می آیند، یا در کشور اسرائیل متولد شده اند و یهودی بحساب می آیند یا افرادی از گروه آنها "دشمن" در ارتباط بوده اند. یا هرچیز دیگری از این قبیل. در طرف مقابل هم عینا همین نوع مجازات جمعی البته در ابعادی محدود تر را شاهد بوده ایم. تجاوز و کشتار کودکان و زنان و مردمان بیشماری در یوگسلاوی سابق نظیر بوسنیا، کوسوو و غیره، تحت عنوان اینکه مسلمان بوده اند، کشتار فجیع

ساکنان اردوگاههای پناهندگان در صبرا و شتیلا توسط گروههای تروریست مسیحی و با حمایت همدستی آشکار اسرائیل، و نمونه های بسیاری دیگر طی همین سه دهه اخیر ثبت شده است.

کتاب سوزان و آزادی بیان

فکر میکنم هر انسان سالمی، یعنی انسانی که از تعصبات مذهبی و قومی بری باشد، سوزاندن کتاب برای ابراز مخالفت با پیروان و معتقدان به احکام آن کتاب را اقدامی زشت و خارج از ارزشهای انسانی تلقی میکند. کتاب سوزاندن همانگونه که در ابتدا اشاره کردم اساسا سنت مذاهب و بویژه سنت کلیسا و مسیحیت و همچنین سنت اسلام و جریانات اسلامی طی تاریخ بوده است. قربانیان کتاب سوزانی نیز که معمولا با کشتار و سرکوبهای گسترده نیز همراه بوده، اساسا و غالبا روشنفکران، دانشمندان، و جریانات و جنبشهای پیشرو و معترض و مردمی بوده اند. در دوره های اخیر بیشترین کتاب سوزانی ها توسط باندهای مذهبی علیه کمونیستها و سوسیالیستها و سکولارها و نیروهای مترقی صورت گرفته است. ایران تحت حکومت جمهوری اسلامی یک شاهد گویای سوزاندن گستره کتابهای چپ و کمونیستی و مخالف به همراه اعدام ها و کشتارهای جمعی بوده است. اینکه کسی بخواهد با سوزاندن کتاب مخالفت خود را ابراز کند، خود بخود به معنای اینست که عقاید را با سرکوب و ترور جواب میدهد. به معنای اینست که از عقاید مخالف وحشت دارد و تلاش میکند آنها را در نطفه خفه کند و با ایجاد فضای رعب و وحشت از گسترش آنها جلوگیری کند. اینکه دولتهای سرمایه داری چگونه از این سنت عهد عتیقی علیه کمونیستها و چپ ها و سوسیالیستها و مخالفین خود استفاده کرده اند، نیز خود بحث جداگانه ای می طلبد.

بهررو اقدام کشیش آمریکائی در این ابعاد و با این اهداف نیست. بلکه هدف او یادآوری سنتهای تاریخی گذشته کلیسا علیه مسلمانان است. او میداند که عقاید اسلامی امروز نه تهدیدی علیه مسیحیت است و نه تهدیدی علیه هیچ عقیده دیگری. او میخواهد خود را مطرح کند. او میخواهد دقیقا مسلمانان را تحریک کند و اعتبار کل جدال با اسلام سیاسی و نفرت عمومی و گسترده از

جریانات اسلامی را به کلیسا وصل کند. بعبارت دیگر او میخواهد با این اقدام کلیسا را که در وضعیتی بی رونق قرار دارد، طلایه دار جدال با اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی معرفی کند. قبل از اینکه به دلایل این تلاش بپردازیم همینجا باید تکلیف کتاب سوزانی را روشن کنیم. کتاب سوزانی یک سنت زشت است اما با هر هدفی که صورت گیرد و هر پیشینه ای که داشته باشد، بخودی خود جنایت نیست. جزئی از آزادی ابراز عقیده است. هرکس میتواند عقیده خود را به هر صورتی که میخواهد بیان کند. انسان عاقل و مدرن و پیشرو، مخالفت خود با یک نوشته و کتاب و عقیده را از طریق سوزاندن کتاب بیان نمیکند. بلکه علیه آن مینویسد و استدلال میکند. اما اگر در گوشه ای از این دنیا اگر فردی بخواهد قرآن یا انجیل یا کاپیتال مارکس یا هر کتاب دیگری را بسوزاند و از این طریق مخالفت خود را با آن کتاب نشان دهد، تا آنجا که آسیبی به شخص معینی وارد نکرده (و کتاب سوزانده شده از اموال شخصی خود او باشد!) جزئی از حقوق فردی او بحساب می آید. این نوع سنت نیز همچون مجازات جمعی در فقهای تاریخ ریشه دارد. اما آن یکی یک جنایت عمیقا ضد انسانی و وحشیانه است، و این یکی ابراز عقیده به یک شیوه بسیار عقب مانده و حتی مضحک که فقط باعث تحقیر و تمسخر مجریانش میشود. هیچکس با سوزاندن یک کتاب از عقیده ای روی گردان نمیشود و هیچ عقیده ای با سوزاندن کتاب تضعیف نمیشود.

پایان جریانات خارج از تاریخ

نتیجه ای که میخواهم از طرح این دو نکته بگیرم یک چیز است. و آن اینکه ما در قرن بیست و یکم بسر میبریم. عصری که نه دوره اسلام است و نه دوره مسیحیت و نه دوره هیچ مذهب دیگری. بلکه دوره علم و پیشرفت و اینترنت و انقلابات اجتماعی مدرن و پیشرو است. اگر در زمانهای دور این روشها میتوانست جنبشی ضد علم و ضد بشری نظیر مسیحیت و اسلام و یا اعیانا مذهبی دیگر را در راس جوامع نگه دارد، در دنیای امروز بکار گیری این روشها از سر استیصال است. در دوره های پیشین این روشها وحشت ایجاد میکرد، اما در دوره کنونی نفرت علیه بانپانش ببار می آورد. و فی

الوقایع هم آورده است. داستان مسیحیت داستان متفاوتی است و این دین با انقلابات قرن هفده و هیجده و نوزده و تحولات بعد از آن، قبلا به حاشیه رانده شده و سیطره و بیکه تازی و قدرت خود را از دست داده است. اما دست زدن به جنایت و آدم کشی و اعلام جنگ علیه بشریت توسط جریانات اسلامی که ستون اصلی آن جمهوری اسلامی ایران بوده است، تقلایی برای نجات از مرگ است. این جنبش به ته خط رسیده و سه دهه تروریسم و ضدیت با بشریت همانگونه که انتظار میرفت نه فقط به نجات آن نیامده، بلکه آترا بیش از پیش منزوی و مطرود کرده است. جمهوری اسلامی که زمانی میخواست با سیاست پان اسلامیمش دنیا را تسخیر کند، هم اکنون در داخل ایران به انزوی کامل کشیده شده و برای سرپاماندن خود هرروز باید طرح و نقشه بکشد و حکومت نظامی اعلام نشده برقرار کند و با توده وسیع مردم بجنگد. در سطح جهان نیز وقتی کسی نگاه کند، اسلام سیاسی را تنها در افغانستان و پاکستان و بخشهایی از فلسطین، آنها در عقب نگه داشته شده ترین مناطق دارای نفوذی توده ای می بیند. افول آنها به وضوح قابل مشاهده است و حتی با حساب ریاضی قابل محاسبه است. پنج سال بعد شاید دیگر در جهان نه از طالبان و نه از القاعده و نه از جمهوری اسلامی خبری نباشد. انقلابات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا یکی از واقعیتهایی را که بوضوح نشان داد همین افول جریانات اسلامی بود که در کشورهای به اصطلاح اسلامی نیز دیگر دست بالا ندارند و خود آن انقلابات نیز با به میدان آوردن توده مردم، شاید نه در کوتاه مدت اما حتما در میان مدت به انزوی کامل جریانات اسلامی خواهد انجامید.. بکارگیری ترور و کشتارهای جمعی و امثال اینها تلاشهایی برای جلوگیری از نابودی کامل است. تقلاهایی از جانب جنبشهای در حال مرگ و خارج از زمان و تاریخ برای زنده ماندن است. اما این روشها گرچه فجایع غیرقابل جبرانی را به جوامع بشری تحمیل کرده و میکند، اما بهیچ وجه تاریخ را نمیتواند به عقب برگرداند. افول و از هم پاشیدگی و نابودی کامل جنبش اسلام سیاسی، یک واقعیت اساسی است که سرعت خود را جلوی چشم میگذارد. در این زمینه باید جداگانه بیشتر سخن گفت. *

اول مه را گسترده و ... از صفحه ۱



شاهلا دانشفر

انسانی است.

انترناسیونال: در این رابطه در مورد اول مه در ایران چه میگویید؟

شاهلا دانشفر: در پرتو این تصویر است که میتوانیم به اوضاع ایران نیز نگاهی بیندازیم. در ایران ابعاد فقر و فلاکت دیگر به حد یک فاجعه رسیده است. ۳۳ سال است که یک اقلیت مفتخور مرتجع، بر کرده مردم حکومت کرده و پولشان از پارو بالا

میروند و در مقابل هر روز بر ابعاد فقر و گرسنگی و بیحقوقی مردم افزوده شده است. در ایران سطح حداقل دستمزدها در حد یک سوم خط فقر اعلام شده از سوی خود حکومت تعیین شده است. نپرداختن دستمزد کارگران به یک روال رایج در جامعه تبدیل شده است و در جاهایی حتی کارگر تا ۲۰ ماه دستمزد خود را طلب دارد. در ایران بیکاری بیداد میکند و هر روز بر صف کارگران بیکار افزوده میشود. و در کنار همه اینها طرحهای ریاضت اقتصادی حکومت بطور واقعی اکثریت مردم به موقعیت طبقه کارگر رانده و یک استثمار بی نهایت و فلاکت بیسابقه ای را بر کل مردم حاکم کرده است. سالهاست مبینیم که حتی فروش کلیه به شکلی از امرار معاش تبدیل شده است و شما بازار معروف فروش کلیه با آگهی ها و بازاریابی هایش را شاهدید. سخن از ۴ میلیون کودک کار و خیابان است و سن تن فروشی به ۱۱ سال و حتی زیر این عدد رسیده است. اعتیاد بیداد میکند. خصوصا ابعاد این فقر و فلاکت در دو ساله اخیر گسترده تر شده و طرح

تهاجم اقتصادی رژیم تحت عنوان "طرح هدفمند کردن یارانه ها" زندگی کل کارگران و کل جامعه را به تلاطم انداخته است. در چنین شرایطی جامعه به نقطه انفجار خود رسیده و روشن است که در چنین اوضاع و احوالی اول مه روز جهانی کارگر، به عنوان یک روز مهم اعتراض علیه فقر و بندگی، چه جایگاه مهمی میتواند در مبارزات کارگران و کل جامعه داشته باشد.

انترناسیونال: با توجه به این آیا به نظر شما اول ماه مه امروز در ایران از ویژگی خاصی برخوردار است، یا باید همان جنبه های اساسی که اشاره

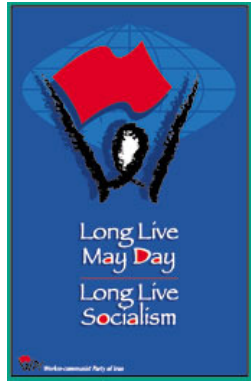
کردید را دنبال کرد؟

شاهلا دانشفر: من در سؤال قبل تلاش کردم، در پرتو تصویری جهانی به جایگاه اول مه نگاهی بیندازیم. اما اگر بخواهم مشخص تر به ویژگی اول مه امسال در ایران اشاره کنم، به سه موضوع مهم و محوری تاکید دارم:

۱- ابعاد فقر و فلاکتی که در این یکساله بویژه بعد از اجرایی شدن طرح تهاجم اقتصادی رژیم به کارگران و به کل جامعه تحت عنوان هدفمند کردن یارانه ها تحمیل شده است و امروز مبارزه علیه فقر و فلاکت و در هم شکستن این تهاجم اقتصادی را به مساله محوری کارگران و کل جامعه تبدیل کرده است، یک واقعیت مهم است. در اول مه امسال باید جامعه را در اعتراض به فقر به میدان آوریم. دستمزدهای پائین و نپرداختن دستمزدها، بیکاری، گرانی و طرح تهاجم اقتصادی تحت عنوان یارانه ها اجزا این مساله اند. این پیام اول مه امسال است. اول مه طبقه کارگر باید پرچم اعتراض علیه فقر و عدم تامین معیشت جامعه را با قاطعت و بطور سراسری بلند کند. بیابیه ها و قطعه نامه های کارگران در این روز باید این روح را بیان کنند. اول مه طبقه کارگر پرچمدار خواستهای کل جامعه باید باشد و این را در بیابیه و قطعه نامه هایش بیان میکنند.

۲- اول مه را باید در متن اوضاع سیاسی امروز ایران دید. اول مه در اوضاعی کاملا متفاوت و در ادامه روزهایی چون ۲۵ بهمن، ۱ تیر، چهارشنبه سوری و هفده اسفند روز جهانی زن، و دور جدید روزهای اعتراضات توده ای مردم علیه جمهوری اسلامی فرامیرسد. بویژه بدنبال انقلابات زنجیره ای در کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه افق جدیدی در مقابل مردم به جان آمده ایران برای سرنگونی این رژیم قرار گرفته است و شعار "مبارک، بن علی، نوبت سید علی" بیانگر این فضا و این چشم انداز است. باید این شرایط را دید و به استقبال اول مه رفت.

بطور واقعی هم اکنون در میان مردم بحث بر سر اینست که روز بعدی اعتراض، کدام روز خواهد بود. روز خشم ما کدام روز خواهد بود. پاسخ



ما اینست که اول مه جامعیتی دارد که میتواند بهترین فرصت برای اعتراض کل جامعه علیه این رژیم فقر و فلاکت باشد.

بنابراین اول مه را باید به عنوان یک روز آکسیون و اعتراض خیابانی در جامعه دید و برای آن آماده شد و من از این فرصت استفاده میکنم کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان و همه جوانان و کل جامعه را به تظاهرات وسیع در این روز فرا میخوانم. و به نظر من در فرصتی که برابیمان مانده باید با همین تصویر و گفتمان به تدارک اول مه رفت. این مباحث را وسیعا از طریق میدیای اجتماعی، فیس بوک و تویتر و غیره و در بحث در گروه هایمان در محلات و در کارخانجات به پیش برد. باید در چنین سطحی به استقبال اول مه رفت و با بیابیه ها و قطعه نامه هایمان کیفرخواست خود را علیه فقر و فلاکت اعلام کرده و پلانفرم خود را برای سرنگونی این رژیم جنایتکار و رها شدن از این توحش افسار گسیخته سرمایه داری اعلام کنیم. در عین حال یک محور مهم اول ماه آزادی زندانیان سیاسی و کارگران زندانی است

۳- اوضاع جهانی و انقلابات منطقه که جنبه همبستگی با مبارزات کارگران در سطح جهان و حمایت از انقلابات مردم در شمال آفریقا و کشورهای خاورمیانه و نیز کردستان عراق را بسیار مهم و برجسته میکند. باید یک بند قطعه نامه های اول مه بیانگر این همبستگی و همسرزشتی جهانی باشد. در همین

متن است که باید تلاش کرد بیشترین همبستگی جهانی را از مبارزات کارگران در ایران جلب کرد. فشار آورد که جمهوری اسلامی و نه

صفحه ۴

داری جلب میشود. به عبارت روشنتر اول ماه مه قبل از هر چیز، روز اعتراض به دنیای موجود و استثمار و توحش سرمایه داری است. روز اعتراض به جهانی است که در آن انسان و انسانیت در آن زیر پا له می شود و همه چیز بر محور سود و سودجویی مشتاقی میچرخد.

از همین رو و بطور واقعی، روز جهانی کارگر، آنهم در عصر تعرض سرمایه داری به حقوق و دستاوردهای کارگران و مردم، تنها روز کارگران نیست، بلکه روز اعتراض کل جامعه به فقر و بندگی است. طبعاً در صف مقدم این اعتراض این کارگرانند، که با بیابیه ها و قطعه نامه ها و صفوف متحدشان بطور واقعی خواستهای کل جامعه را نمایندگی کرده و پرچم رهایی کل جامعه را به اهتزاز در می آورند. بنابراین اهمیت این روز در ریشه و بنیان آن است. و امروز در شرایطی که سرمایه داری جهان را به فقر و قهقرا کشانده است، این روز جایگاه روشنتر و برجسته تری پیدا میکند.

امروز ما در قرن بیست و یکم زندگی میکنیم. تکنولوژی و قدرت تولید بشری پیشرفت سرسام آوری کرده است. اما این پیشرفت اساساً در خدمت رفاه انسانها قرار ندارد. اکثریت عظیمی از مردم جهان در فقر و محرومیت بسر میبرند. جوامع بشری حول تامین رفاه و احترام و کرامت انسان ها نمی چرخد، بلکه این قانون وحشی بازار و سود و سودآوری است که حرف آخر را زده و سرنوشت انسانها را رقم میزند. ابعاد این توحش را در آمارهای منتشر شده خود بنگاههای رسمی سرمایه داران در کشورهای مختلف میتوان دید. از جمله بنا بر آمار در هر شش ثانیه کودکی بخاطر بیماری جان می سپارد. در آمریکا کشوری که مرکز تکنولوژی و پیشرفت جهان است، یک درصد جمعیت کشور نود درصد ثروت جامعه را در چنگ خود دارد. و بخش عظیمی از مردم جهان در چنگ فقر و فلاکت غیر قابل توصیف، اسیرند. اول مه روزیست که همه مصائب و ستمگری سرمایه داری را مقابل چشم بشریت قرار میدهد. و کارگر بعنوان فروشنده

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر!

اول مه را گسترده و ...

تنها جمهوری اسلامی بلکه دیکتاتورهای سرکوبگر باید از سازمان جهانی کار آی ال او و از همه نهادهای جهانی اخراج شوند. بیشترین حمایت‌های جهانی را برای آزادی کارگران زندانی از زندان جلب کرد. هم اکنون منصور اسانلو، ابراهیم مددی، رضا شهابی و غلامرضا غلامحسینی از کارگران شرکت واحد و رضا رخشان از کارگران سندیکای نیشکر هفت تپه و بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری و فعال دفاع از حقوق کودک در زنداند، فشار آورد تا این کارگران تا قبل از اول مه از زندان آزاد شوند و این گام مهمی برای آزادی همه زندانیان سیاسی است. به این ترتیب قدرتمند به استقبال اول مه برویم.

انترناسیونال: چه نکاتی علاوه بر آنچه تاکید کردید را در این فرصت چند هفته‌ای که به اول مه مانده لازم به تاکید میدانید؟

شهلا دانشفر: من در سؤالات قبل به برخی نکات مهم اشاره کردم. اما اگر بخواهم به جنبه‌های عملی

از صفحه ۳

تدارک اول ماه مه در شرایطی که اشاره داشتیم، تاکید می‌کنیم، تاکیدات من عبارت خواهند بود از: ۱- قبل از اینکه اول مه برسد باید جان شیرکو معارفی را نجات داد. بینید جمهوری اسلامی نیز اهمیت و جایگاه این اول مه را میداند. بر خطری که هر روزه نظامش را تهدید میکند و خصوصا در چنین روزی واقف است، برای همین از هم اکنون شمشیر خود را کشیده است و از جمله اعلام کرده است که شیرکو معارفی زندانی سیاسی در سقر را در روز اول مه اعدام خواهد کرد. باید نسبت به این موضوع حساس بود و نگذاشت. در این رابطه بویژه مردم شهر سقر و مردم شهرهای کردستان نقش مهمی دارد. باید از هم اکنون تشکلهای کارگری و همه مردم اعتراض خود را اعلام کنند. جانینان اسلامی اول صبح روز جهانی کارگر در سال ۸۸ در حالیکه کارگران وسیعا به استقبال اول مه میرفتند، دلارا دارابی را اعدام کردند تا با این اقدام جنایتکارانه به کارگران چنگ و دندان نشان دهند. اما شش هفته پس

از اعدام دلارا میلیونها نفر به خیابان‌ها ریختند و مبارزه برای سرنگونی حکومت اعدام و جنایت به اوج خود رسید. همچنین عکس‌العمل سریع مردم سندانج در مقابل تصمیم رژیم به اعدام حبیب لطیفی نمونه‌ای دیگر از يك اقدام آگاهانه و انقلابی بود که رژیم را به عقب نشینی وادار کرد. سال قبل بدنبال گسترش اعدامها که اوج آن اعدام فرزاد کمانگر و ۴ فعال سیاسی دیگر همراهش بودند، مردم کردستان با اعتصابی عمومی پاسخی جانانه‌ای به جانینان اسلامی دادند. اکنون نیز مهم است که با همین حساسیت به مساله اعلام اجرای حکم اعدام شیرکو معارفی برخورد کنیم و این بار نگذاریم این جنایت صورت گیرد. بعلاوه جمهوری اسلامی هر ساله قبل از اول مه تعرضاتش را به رهبران کارگری شدت میدهد تا جلوی سازمانیابی اعتراضات کارگران را بگیرد. تا مانع برگزاری این روز اعتراضی بزرگ شود. اعتراضات گسترده ما برای آزادی کارگران زندانی از زندان و طرح خواست آزادی فوری همه زندانیان سیاسی، راه مقابله با چنین تهاجمی خواهد بود.

۲- اول مه روز مبارزات متحد ما رادیکال و انقلابی گره می‌خورد. منشور جنبش سرنگونی انقلابی را باید وسیعا به درون جامعه برد. آنرا به گفتمان همه مردم و پرچم مبارزات انقلاب مردم تبدیل کرد. دورش گرد آمد و صف قدرتمندی از اتحاد و مبارزه علیه جمهوری اسلامی و سرنگونی کل این رژیم شکل داد. در ادامه این تاکیدات است که می‌خواهم در این نوشته بر جنبه رو به ایران و نقش فعالین حزبی و فعالین جنبش انقلابی مردم در پیشبرد این گفتمان مهم انگشت بگذارم. باید این منشور را وسیعا تکثیر و در همه جا پخش کرد. باید مفاد این سند مضمون شعارها و تراکت‌های ما در داخل ایران باشد. باید بندهای این سند را همه جا بر در و دیوار نوشت و آنرا به گفتمان همه مردم تبدیل کرد. باید در جمع‌ها و محافل این سند را به بحث گذاشت و آنرا به افق و چشم انداز همه مردم سرنگونی طلب تبدیل کرد. باید این سند را به درون گروههای اینترنتی (فیس بوک و

کارگران است. همانطور که در سال گذشته ده تشکل کارگری، تشکلهایی که به همت و تلاش خود کارگران تشکیل شده‌اند، با قطعنامه مشترک خود، قطعنامه‌ای که برآستی خواستهای کل جامعه را نمایندگی میکرد، صف متحد و قدرتمند کارگری را به نمایش گذاشتند. امسال نیز انتظار میرود که در سطحی بسیار وسیعتر با صفی متحد به استقبال این روز برویم. و همه بخش‌های جامعه، معلمان، پرستاران، دانشجویان و مردم شهرهای مختلف با بیانیه‌های خود، حمایت خود را از قطعنامه‌های سراسری کارگران به مناسبت اول مه اعلام دارند.

باید بدانیم که هر تلاشی برای برگزاری اول مه، هر تلاشی برای متشکل کردن مبارزات کارگری، ضربه‌ای بر حکومت جانینان اسلامی است و باید از آن حمایت و پشتیبانی کرد و صف واحدی از مبارزه را شکل داد.

۳- تدارک سیاسی اول مه از هم اکنون باید وسیعترین گفتمان را بر سر اول مه و جایگاه و اهمیت چنین روزی بویژه در شرایط امروز جامعه و چه باید کردها براه انداخت.

تویتر و غیره) برد و حول مباحث آن بحث و گفتگو براه انداخت. باید بر محور مباحث این سند، جریان‌ات مباحثات جو و مدافع نظام اسلامی و به اصطلاح "اصلاح طلب" را به نقد و انزوا کشید.

اینها همه کارهای بسیاری بر روی دوش فعالین و اعضای حزب کمونیست کارگری در داخل ایران می‌گذارد که در صف مقدم این حرکت مبشر این ایده‌ها و چه باید کردها باشند. حول آن اتحاد و امید شکل دهند.

بعلاوه هم اکنون نیروهای بسیاری هستند در ایران که خواهان سرنگونی این حکومت هستند.

از مدیای اجتماعی بیشترین نیرو را برای سازماندهی اجتماعی و وسیع برای این روز گرفت. در و دیوار را پر از شعارهای ویژه این روز کرد. شعارهایی چون زنده باد اول مه، مرگ بر جمهوری اسلامی، کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، زنده باد سوسیالیسم، زندگی انسانی حق مسلم ماست و خواستهای فوری مان پر کنیم و همه جا را به رنگ این روز در آوریم. گفتمان بر سر اول مه را در همه جا در محیط‌های کار، در گروه‌های جوانان در هر محل، در دانشگاه و در مدارس و در همه جا برپا کنیم و برای این روز نیرو بسیج کنیم. از هم اکنون قطعنامه‌ها و بیانیه‌های خود را آماده کنیم و وسیعا پخش کنیم. پیام و اعتراض اول مه خود را در سطح جهانی انعکاس دهیم

۴- و بالاخره به همه فعالین یادآوری میکنم که کانال جدید تریبون است در خدمت شما. از این تریبون استفاده کنید. فراخوانهایتان را از این طریق به جامعه اعلام کنید و اخبار اعتراضات و مبارزاتتان را وسیعا در جامعه انعکاس دهید. به امید يك اول مه با شکوه!*

خواستها و اهداف اعلام شده در این سند میتواند مبنای فعالیت و تلاش مشترک همه این نیرو حول این سند باشد. و ما فراخوانمان به همه این نیروها اینست که در پخش این سند و دامن زدن به بحث حول آن در جامعه و متحد کردن جنبش سرنگونی طلب گرد این منشور تلاش کنند و خود را فعال این عرصه از کار بدانند.

منشور جنبش سرنگونی مردم منشوری برای سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی، منشور همه انسانهای آزادیخواه و سرنگونی طلب و همه فعالین جنبش‌های اعتراضی علیه جمهوری اسلامی است. به این منشور وسیعا پیوندید.*

Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

انترناسیونال

را بخوانید و وسیعا تکثیر و پخش کنید

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

بازتاب هفته

حذف جمهوری اسلامی بجای حذف صفر



بهروز مهر آبادی

شمس الدین حسینی وزیر اقتصاد و دارایی جمهوری اسلامی در مصاحبه ای در روز ۱۳ فروردین خبر از آمادگی دولت برای حذف ۳ صفر از پول ایران خبر داد. سه روز بعد یعنی روز ۱۶ فروردین محمد بهمنی رئیس بانک مرکزی رژیم خبر از طرح حذف ۴ صفر از پول ایران داد. ارائه این ارقام متفاوت قبل از هر چیز نشان دهنده اختلاف نظر، سردرگمی و بلاتکلیفی مقامات جمهوری اسلامی در مورد این طرح است. ارقام نجومی قیمت های کالا،

بی ارزش شدن پول ایران در مقابل سایر ارزهای بین المللی، و حجم عظیم اسکناس در مبادلات روزمره اقتصادی مردم، پیچیدگی در مبادلات و حجم عظیم محاسبات، در حقیقت آثار فرعی تورم وحشتناک و نتیجه غارت و چپاول سرمایه داران اسلامی و غیر اسلامی است که زندگی میلیونها نفر را در ایران به زیر خط فقر کشانده است. اما اینکه حذف چندین صفر از واحد پول بتواند کمترین اثر مثبتی در وضعیت اقتصادی مردم داشته باشد، امید بیهوده ای است. آنچه که رژیم را وادار به این کار می کند اثرات روانی این کار با کوچکتر جلوه دادن قیمت ها و ارقام است. این عمل در بعضی اقتصادهای متعارف سرمایه داری که توانسته اند ثبات و آرامشی در قیمت ها و وضعیت اقتصادی خود بوجود آورند، بطور موقت موثر بوده است، اما در کشوری نظیر ایران که اقتصاد آن با معیارها و قوانین رایج سرمایه داری کوچکترین همخوانی ندارد، در دوران تورم و بی ثباتی اقتصادی، بیکاری و تعطیل شدن روند تولید و وابستگی کامل به فروش نفت، بدهی سرسام آور دولت و کسری مالی، فساد و غارتگری

بینهایت، وجود بودجه های کلان غیر رسمی و مخفی و در حالی که اقتصاد کشور تماما در دست باند های مافیائی و قاچاقچی است، چنین اقدامی نه تنها حتی بطور کوتاه مدت نمی تواند در اقتصاد کشور تاثیر داشته باشد، بلکه خود موجب تورم و خانه خرابی و فقر بیشتر مردم خواهد شد. رژیم برای پوشاندن بحران عظیم اقتصادی خود ناگزیر از حذف چند صفر از روی اسکناس ها است اما این کار کمکی به هیچ گوشه از معضلات حکومت نمیکند. و آشکارا تاثیر مثبتی نیز بر زندگی فلاکت بار مردم ندارد. تنها راه حل واقعی و ممکن حذف رژیم جمهوری اسلامی است تا فاجعه عظیمی که در ایران جریان دارد، متوقف شود و امید یک زندگی مرفه و در خور منزلت انسان را در دلها بوجود آورد. *

نوروز آنها و نوروز مردم

توسل باند احمدی نژاد به نوروز با بی اعتنائی مردم ولی با واکنش تند باند مخالف روبرو شد. رحیم مشایی همکار نزدیک احمدی نژاد درباره نوروز گفت: "نوروز یکی از شعائر الهی و مظهر بیداری و هوشیاری است و شیطان در نوروز دست بسته می شود." این عبارات با واکنش تند لاریجانی رئیس قوه قضائیه روبرو شد و مردم شاهد صحنه دیگری از جدال درون حاکمیت شدند. او این سخنان را "باطل، از طرف یک جریان منحرف و برخلاف مذاق دینی" اعلام کرد. جناح احمدی نژاد بیش از سه سال است که برای خروج از بن بست اسلام سیاسی دست به دامن ناسیونالیسم شده است. برگزاری مراسم نوروزی، پیغمبر دانستن کورش، استفاده از باسمه های ناسیونالیستی در مراسم های دولتی از این جمله است. چند هفته قبل محمد رضا باهنر از درگیریهایی تازه درون حاکمیت و آغاز یک فتنه جدید خبر داده بود، با این هشدار که: "عده ای می خواهند مکتب ایرانی را جایگزین مکتب اسلام کنند". علم الهدی امام جمعه مشهد و عضو

مجلس خبرگان دو هفته قبل تعارفات رایج را کنار گذاشت و گفت: "مشایی یک فرد منحرف است و انحرافش هم مشخص است. انحرافش در این است که با حلال و حرام خدا بازی می کند. با انبیا، خدا بازی می کند. به مقدسات خدا دست اندازی می کند. ایشان در سی دی خودش حرفی زده است بدتر از اهانت به انبیا." او "توهین به شارع و توهین به قرآن" را هم به موارد اتهامی مشایی اضافه کرد. بر اساس قوانین جمهوری اسلامی این اتهامات آنهم از طرف یک آیت اله می تواند برای مهورالدم اعلام کردن و صدور حکم اعدام برای هر کسی کافی باشد و نشان می دهد که بالا گرفتن نزاع بعدی چه صحنه های خونینی می تواند داشته باشد. اینکه اسفندیار رحیم مشایی حامیان گردن کلفتی داشته و او را در مقابل تیره های باند رقیب روئین تن کرده نمی تواند دوام زیادی داشته باشد. تیر زهرآگین شریعت چشم او را نشان گرفته و منتظر فرصتی است تا رها شود. از طرف دیگر باند احمدی نژاد - مشائیان هم بیکار ننشسته و بسرعت مشغول تسخیر ارگانهای اقتصادی و نهادهای قدرت است. خبر تقاضای تاسیس ۷ حزب سیاسی با حمایت رحیم مشائیان را باید از جمله این اقدامات برای تصرف مجلس در دور بعدی آن دانست. توازن قوا بین جناح های حکومت پایدار نیست، بحران عظیم اقتصادی و سیاسی که رژیم با آن مواجه است و فشار مردم خشمگین و منزجر از حکومت اسلامی، حکومت را وادار به تصفیه های درونی و یکدست ظاهر شدن در مقابل مردم خواهد ساخت تا باز شکاف های دیگری در آن خود را نشان دهد. این صحنه ای است که بارها تکرار شده و پروسه ای است که تا سرنوشت جمهوری اسلامی ادامه خواهد داشت. اما با وجود تلاشهای باندهای رژیم، نقل صدها روایت و حدیث و تفسیر بی ربط هنوز نتوانسته است به عید نوروز لباس اسلامی بپوشاند. ماهیت ضد انسانی و شادی کش اسلام سیاسی هیچ ربطی با فضای شاد و رنگین و پر از موسیقی آغاز بهار را ندارد. و با وجود صدها افسانه خرافی و خزعبلات ناسیونالیستی در مورد

نوروز، در طول قرنهای آغاز بهار بعنوان یک نقطه عطف در حیات طبیعت و آغاز روزهای گرم و روشن، بدون شک فرصتی مناسب برای جشن و پایکوبی انسانهای بخشی از جهان بوده است. و بی تردید امید به برگزاری جشن نوروز بدون نکبت جمهوری اسلامی و امید به برپایی یک جامعه آزاد، برابر و شاد و شایسته زندگی انسان در آینده ای نزدیک، تنها دلگرمی دهها میلیون انسان تحت سلطه توحش اسلامی بوده است. *

قاچاق اسلحه، یک پرونده دیگر

روز ۲۵ اسفند نیروی هوایی ترکیه یک هواپیمای غیرنظامی ایرانی را در فرودگاه دیاربکر وادار به فرود کرد. در بازرسی از این هواپیما محموله ای از اسلحه و مهمات کشف شد که تحت عنوان قطعات یدکی خودرو بارگیری شده بود. ۶۰ قبضه کلاشینکف و هشت هزار قطار فشنگ آن، ۱۴ قبضه مسلسل خودکار و بیش از ۱۸۰۰ گلوله خمپاره محتویات این محموله را تشکیل می داد که قرار بود به سوریه

حمل شود. این میزان اسلحه به مقداری نبود که به منزله فروش یا کمک نظامی جمهوری اسلامی به رژیم سوریه تلقی شود و می توان مقصد آن را باندهای نظامی وابسته به جمهوری اسلامی در منطقه دانست. روز ۱۲ فروردین دولت ترکیه گزارش قاچاق اسلحه توسط جمهوری اسلامی را به سازمان ملل گزارش داد. پرونده دیگری بر موارد متعدد قاچاق اسلحه و دست داشتن جمهوری اسلامی در تسلیح باندهای تروریست اضافه شد. در روزهای آخر اسفند ماه خبر توقیف دو محموله قاچاق تجهیزات ساخت سلاحهای هسته ای در کره جنوبی و سنگاپور انتشار یافت و روز ۱۷ اسفند هم دولت مالزی از توقیف چنین محموله ای خبر داد. ماهیت جنایتکارانه و تروریستی رژیم از همان ابتدای حاکمیت آن برای مردم ایران روشن بوده است. اما افشای هر مورد از دست داشتن حکومت اسلامی در قاچاق اسلحه و عملیات تروریستی بار دیگر بر لزوم اخراج این رژیم از نهاد های بین المللی و عدم برسمیت شناختن آن از سوی دولتهای مختلف تاکید می گذارد. *

کارگران ریسندگی و بافندگی کاشان دست به تجمع اعتراضی زدند

سوابق اعتراضات درخشان کارگران این کارخانه باعث شد که بلافاصله فرمانداری با مدیریت این شرکت، روسای ادارات کار و امور اجتماعی، صنایع و معادن، تامین اجتماعی و دیگر مسئولین مربوطه با دستپاچگی تشکیل جلسه بدهند و در مورد این مساله صحبت کنند. حزب کمونیست کارگری قاطعانه از مبارزه بحق کارگران ریسندگی و بافندگی کاشان حمایت میکند و کارگران سایر مراکز کارگری و مردم کاشان را به حمایت از آنها فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ اسفند ۱۳۹۰، ۶ آوریل ۲۰۱۱

صبح روز ۱۶ فروردین، کارگران ریسندگی و بافندگی کاشان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و عیدی دست به تجمع اعتراضی در مقابل فرمانداری این شهر زدند. کارفرما در مقابل اعتراضات ماههای قبل کارگران، متعهد شده بود که هفته ای ۸۰ هزار تومان بابت سی ماه حقوق معوقه و دستمزد جاری به کارگران این شرکت پرداخت کند، اما در سه هفته گذشته از تعهد خود سر باز زده است. همچنین قرار بوده است ۴۰۰ نفر از کارگران این کارخانه بازنشست شوند که در این مورد اقدامی صورت نگرفته و کارگران به این مساله نیز اعتراض دارند.

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید



تینا- آمریکا ۳۸۰ دلار
سعید صالحی نیا ۴۰۰ دلار

اساس سوسیالیسم انسان است!

بازتاب هفته

جمهوری اسلامی و انقلابات منطقه



محمد شکوهی

در هفته‌های اخیر همزمان با اوج گیری و ادامه اعتراضات بر علیه رژیم های غارتگر و دیکتاتور و بروز انقلابات در خاورمیانه و شمال آفریقا و ادعاهای "بیداری اسلامی" از طرف خامنه‌ای، ابعاد و میزان دخالت‌های جمهوری اسلامی در روندها افزایش یافت و رژیم فرصت مناسبی بدست آورد تا سر و سامان دادن و تسلیح دسته‌های تروریست اسلامی شیعه وابسته به خود را در این منطقه سرعت بخشد. دخالت‌های گسترده جمهوری اسلامی در بحرین، کویت و تحریک گروه‌های شیعه در عربستان بر علیه رژیم این کشور، خشم دولتهای شورای همکاری خلیج را بدنبال خود داشت و تبدیل به یک موضوع حساس و داغ سیاسی در رابطه جمهوری اسلامی و این دولتها و همچنین دولت آمریکا شد. آمریکا رسماً جمهوری اسلامی را به ایجاد "نا امنی و عدم ثبات" در منطقه متهم کرده و خواهان قطع حمایت ایران از گروه‌های اسلامی شد و اعتراضات دولت‌های عربی متحد آمریکا به ایران بویژه در مورد بحرین و کویت به بالاترین حد خود رسید. هفته گذشته در واکنش به خرابکاری‌های گروه‌های هوادار جمهوری اسلامی در کویت و بحرین، این دو کشور بخش‌هایی از روابط سیاسی و اقتصادی شان را با جمهوری اسلامی به حالت تعلیق در آورده و تعدادی از دیپلمات‌های جمهوری اسلامی را اخراج کردند. کویت صدور حکم اعدام برای سه جاسوس جمهوری اسلامی را اعلام نمود و پادشاه و هیئت دولت عربستان هم با لحنی تند خواهان قطع دخالت‌های جمهوری اسلامی در امور داخلی عربستان شدند. اتخاذ یک سیاست واحد و یکدست در برخورد به دخالت‌های جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه، موضوع اصلی نشست اضطراری وزرای امور خارجه کشورهای "شورای همکاری خلیج" در

روز ۱۴ فروردین بود. در بنیانه پایانی این نشست "دخالت آشکار ایران در کویت از طریق ایجاد شبکه‌های جاسوسی" و همچنین "دخالت ایران در امور داخلی بحرین که ناقض معاهدات بین المللی است"، محکوم شد و از ایران خواست به دخالتش در امورات داخلی کشورهای عربی پایان دهد. وزیر امور خارجه امارات متحده عرب تهدید کرد که هر گونه "اقدام خصمانه ایران علیه هر یک از اعضای این شورا با پاسخ تمامی این کشورها روبرو خواهد شد." و دولت‌های مصر و اردن نیز از این بنیانه حمایت کردند. دست اندرکاران جمهوری اسلامی از سویی این بنیانه را بی ارزش اعلام کرده و از سوی دیگر دولتهای کویت و بحرین را دوست خطاب کردند. بخش‌هایی از حکومت بویژه خامنه‌ای و دولت احمدی نژاد رسماً اعلام کرده اند که منطقه را به لبنان دیگری تبدیل خواهند کرد. روز پنجشنبه ۱۸ فروردین ایرنا خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد که شیعیان بحرین در نامه‌ای به خامنه‌ای خواستار کمک و یاری او شده اند. مقامات جمهوری اسلامی پنهان نمی کنند که قصد دارند با دخالت در بحران‌های منطقه ای اعتراضات وسیع مردم را از مسیری آزادیخواهانه منحرف کنند و به آن رنگ کشاکش‌های مذهبی بزنند و با تقویت باندهای مسلح اسلامی وابسته به خود در منطقه نفوذ پیدا کنند. اما آنچه که بیشتر از هر چیز موجب وحشت جمهوری اسلامی و دلیلی برای دخالت در امور منطقه شده است، تاثیر گذاری اعتراضات آزادیخواهانه مردم سایر کشورها در اوجگیری خیزش انقلابی مردم ایران است. حمایت از رژیم دیکتاتور بشار اسد در سوریه در مقابل تظاهرات‌های مردم و از سوی دیگر تظاهر به حمایت از مردم و پشتیبانی از گروه‌های شیعه در بحرین و عربستان، بخوبی گویای این وحشت و بی ربطی جمهوری اسلامی به خواسته‌های آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم این کشورها است.

دخالت‌های جمهوری اسلامی موجب نگرانی حاکمان کشورهای شورای همکاری خلیج و آمریکا و غرب شده است. سران حکومت‌های دیکتاتور و غرق در فساد این کشورها که با اعتراضات گسترده مردم به

مصاف طلبیده شده اند، دوست دارند که دخالت جمهوری اسلامی را بیش از حد برجسته کنند و این اعتراضات را به باندهای اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی منسوب کنند. اما در این میان یک نکته مسلم است و آن اینکه اعتراضات و انقلابات جاری که منطقه را فراگرفته و ادامه دارد، امکان تبدیل شدن به هر فرآیندی دیگری به غیر از آنچه جمهوری اسلامی در سرش پروراند است، را دارند. الگوی جمهوری اسلامی از نظر مردم منطقه شکست خورده است. انقلاب سال ۸۸ این حقیقت را جلوی چشم همه مردم دنیا گذارد و اتفاقاً این انقلاب و خیزش انقلابی بر اعتراضات و مبارزات مردم منطقه تاثیرات جدی ای گذارد. انقلابات خاورمیانه و شمال آفریقا اساس انقلاباتی بر علیه همه دیکتاتورها و برای آزادی و رهایی می باشد. از این منظر این انقلابات در نهایت و با به پیروزی رسیدنشان، پای جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی را از زندگی و سیاست مردمان منطقه قطع خواهد کرد. رویاهای جمهوری اسلامی و خامنه‌ای اب در هاون کوبیدن بوده و نزد مردم انقلابی اعتباری نداشته و جمهوری اسلامی حداقل به همان اندازه دیکتاتورهای این کشورها، منفور بوده و می باشد. عصر پایان دیکتاتورها و نظام‌های سرکوبگر مدتها است که آغاز شده است.*

رسوایی دولت آلمان بخاطر واسطه‌گری برای جمهوری اسلامی

در هفته‌ای که گذشت رسانه‌های معتبر جهانی از نقش واسطه‌گری دولت و بانک‌های آلمانی در جریان معاملات نفتی هند و ایران پرده برداشتند و این به جنجالی جدی در آلمان تبدیل شد و دردسرها زیادی برای دولت دست راستی این کشور ایجاد کرد. هفته نامه آلمانی اشپیگل و روزنامه آمریکایی واشنگتن تایمز، به ابعاد و شیوه‌های این معاملات نفتی اشاره کرده اند. دولت آلمان و مقامات وزارت اقتصاد و دارایی به همراه روسای کنسرن بزرگ مالی این کشور اعتراف کرده اند که در معاملات نفتی بین ایران و هند و واریز پول از طریق بانک اروپایی در هامبورگ نه فقط دست داشته، بلکه شرایط و ضابطه‌های حقوقی و مالیاتی، و ریسک‌های موجود در جریان این رد و بدل کردن پولها و اطمینان از اینکه این پول به

دست جمهوری اسلامی و بانک طرف ایرانی برسد، حسابی کار کرده و حتی تضمین‌هایی از طرف شرکتهای مالی آلمان برای این زد و بند مالی بین جمهوری اسلامی و طرف آلمانی داده اند. بدین ترتیب دولت آلمان و بانک تجارت اروپایی که یک بانک اروپایی و زیر نظر بانک مرکزی اتحادیه اروپا فعالیت می کند، رسماً وارد پولشویی و معاملات با جمهوری اسلامی شده است. انتشار این خبر و فشارهایی که طرف آمریکایی در این رابطه به دولت آلمان و طرف‌های درگیر در این معامله وارد کردند، بالاخره دولت و دادستان آلمان اواسط هفته ای که گذشت مجبور شدند موضع گیری کرده و اعلام نمایند که از این تاریخ به بعد همه فعالیت‌های بانک تجارت اروپایی که مقرر آن در هامبورگ می باشد، تحت نظارت و کنترل دولت و دادستانی و ارگانهای مربوطه قرار گرفته است.

در کنار این موضوع افشا شد که سفر دو ماه پیش وزیر خارجه آلمان به ایران و پرداخت پول نقد برای آزادی دو خبرنگار آلمانی، و فراهم آوردن زمینه‌های دادن "خدمات بانکی" به جمهوری اسلامی با حمایت دولت آلمان، از جمله زد و بندهای سیاسی بین دولت آلمان و جمهوری اسلامی بوده است. بر اساس این زد و بند بود که موضوع واریز پول نفت از بانک آلمانی به ایران سازمان داده شده است. انتشار این خبر تبدیل به یک افتضاح سیاسی برای دولت آلمان و زد و بندهای پنهانی اش با جمهوری اسلامی شده است. آخرین خبر در این مورد اعتراف دولت آلمان به این معامله کثیف با ایران و اختصاص "کمیسون تحقیق" برای ایجاد شفافیت در نحوه ابعاد و چند و چون این معاملات می باشد، که ظاهراً قرار است گزارش آن به پارلمان آلمان داده شود!

روابط اقتصادی و سیاسی دولتهای آلمان با رژیم جمهوری اسلامی علیرغم وضع تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران، ادامه دارد. حدود یک ماه پیش اتحادیه اروپا فهرست تحریم‌هایش را علیه ایران اعلام کرد. همان موقع دولتهای آلمان با حمایت دولت ایتالیا بیشترین تلاش را برای "کم کردن" ابعاد تحریم‌ها در پارلمان و کمیسون‌های مربوطه اتحادیه اروپا آغاز کردند، که نهایتاً موفق نشدند

جلوی تصویب و اعمال تحریم‌های بیشتر بر علیه جمهوری اسلامی را سد نمایند. در همین رابطه اتحادیه اروپا لیست ۸۰ نفر از سران و مقامات جمهوری اسلامی را در لیست تحریم‌ها قرار داده است که از قضا دولت آلمان و ایتالیا با این لیست مخالفت کرده اند. در بطن یک چنین اوضاعی است که دولت آلمان و شرکت‌ها و موسسات این کشور بدون توجه به این تحریم‌ها معاملات و تجارتشان را با حکومت جمهوری اسلامی ادامه می دهند. و این بار از طریق واسطه‌سازی و با به میان کشیدن سرمایه داران و شرکت‌های خصوصی و غول‌های مالی این کشور. دولت آلمان بدین وسیله در تلاش است در ظاهر هم که شده پای خودش را از این معاملات با جمهوری اسلامی کنار کشیده و از طریق نهادها و کسان دیگری به این کار ادامه بدهد. این فقط برای رد گم کردن بوده و می باشد. اما با فشارهای آمریکا و برخی اعضای اتحادیه اروپا دولت آلمان ظاهراً در زد و بند‌های مالی و تجارت و روابط اقتصادی به ایران، دارد کوتاه می آید. بویژه با افشای معاملات پولی و واسطه‌شدن بانک آلمانی در انتقال پول به حساب‌های جمهوری اسلامی، دولت آلمان فعلاً مجبور شده کوتاه بیاید و در پی راه‌های دیگری برای ادامه روابط سیاسی و اقتصادی با ایران بیفتد. در طول سه دهه گذشته دولت آلمان وسیع‌ترین روابط سیاسی و اقتصادی را با رژیم صد هزار اعدام داشته است. شرکتها و صنایع آلمان با گرفتن قرارداد ادهای بزرگ همراه با بخشودگی‌های مالی ویژه وارد ایران شده و کار فعالیت می کنند. دولت آلمان حتی در اوج برآمد انقلابی مردم ۸۸ موضعی متفاوت از سایر کشورهای غربی گرفت. برای این دولت، سرکوب و اعدام و زندان و حقوق بشر، "امر داخلی" ایران بوده که اینها قصد دخالت در این "امور" را ندارند. دولت آلمان با اتخاذ این سیاست‌های حمایتی از جمهوری اسلامی و بویژه گسترش روابط اقتصادی با ایران، عملاً در کنار سرکوبگران مردم ایران ایستاده است و همین امر این دولت را با مخالفت‌های گسترده ای در میان مردم روبرو کرده است.*

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجالی بدل میشود!

در روز ۷ آوریل زندانیان سیاسی را از یاد نبریم

گزارش یک تظاهرات در اسلو، نروژ

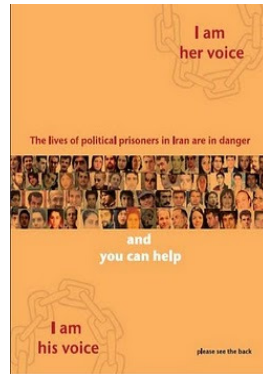
از مخالفین حکومت بود در سخنانی به زبان نروژی ضمن ارائه گزارش این واقعه در مورد شکایت از اوباشان رژیم اسلامی از وزارت دادگستری نروژ و پیگیری پرونده و محاکمه جانیان رژیم شد.

تظاهرکنندگان در ادامه با راهپیمایی و شعارهایی علیه جمهوری جنایت اسلامی و تاکید با خواست های فوق به طرف لانه جاسوسی و ترور رژیم حرکت کردند. در محل سفارت سخنرانان ضمن هشدار به ماموران مستقر در سفارت اعلام کردند که اگر دولت نروژ به خواست ایرانیان نروژ مبنی بر تعطیل این محل اقدام نکند با دست خود سفارت را بر سرشان خراب خواهند کرد.

تظاهرات بعد از ۲ ساعت با شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی، لانه جاسوسی و ترور تعطیل باید گردد، عاملین رژیم محاکمه باید گردند و شعارهایی با خواست سرنگونی کلیت رژیم اسلامی و پایان دادن به قوانین کثیف و ضد انسانی اسلامی به تظاهرات خود پایان دادند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران-نروژ-۲ آوریل ۲۰۱۱

به دنبال پخش يك گزارش خبری از تلویزیون دولتی نروژ که پرده از فعالیت‌های جاسوسی و تروریستی سفارت رژیم اسلامی علیه فعالین سیاسی مخالف جمهوری اسلامی برداشته است و بدنال حمله اوباشان مستقر در سفارت رژیم به چند تن از مخالفین رژیم در محل این سفارت، امروز شنبه ۲ آوریل به فراخوان تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری - نروژ تظاهراتی در جلو وزارت خارجه نروژ و بعد راهپیمایی به طرف سفارت رژیم و تجمع در محل سفارت برگزار شد. در این تظاهرات که با شرکت جمع زیادی از مخالفین جمهوری اسلامی برگزار شد، سخنرانان ضمن محکومیت مداخلات دولت در مقابل اعمال جاسوسی و تروریستی سفارت رژیم اسلامی خواستار تعطیل لانه جاسوسی و ترور رژیم اسلامی در نروژ، قطع روابط دیپلماتیک با رژیم اسلامی و دستگیری و محاکمه اوباشان رژیم مستقر در سفارت که به مخالفین سیاسی حمله کرده اند شدند. در تجمع محل وزارت خارجه ابوالقاسم کاردار عضو حزب کمونیست کارگری که خود در محل شاهد ماجرای حمله اوباشان رژیم به چند تن



۹- علی عجمی: بیماری حاد سینوزیت، به ۲ سال تبعید در یکی از شهرستان‌های استان البرز.

۱۰- ماشالله حائری: محکوم به ۱۵ سال حبس تعزیری و تبعید به زندان رجایی شهر. دارای بیماری قلبی

مانع قتل‌های تدریجی زندانیان شوم مردم شریف و آزادیخواه؛

باید در برابر این جنایت سازمان یافته رژیم اسلامی اعتراض کرد. تنها مبارزه متحد و گسترده ما میتواند جان زندانیان را نجات دهد. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی با تمام توان برای متوقف کردن اعمال ضد انسانی و وحشیانه علیه زندانیان، تلاش میکند و مردم شریف و آزادیخواه را فرامی خواند از هر طریق ممکن به شرایط قرون وسطایی دزدانهای ایران اعتراض کنند. با برپایی تجمعات اعتراضی در برابر زندانها و شرکت در آکسیونهای اعتراضی در داخل و خارج از ایران خواهان آزادی کلیه زندانیان سیاسی شوید.

ما همچنین از سازمانهای مجامع بین المللی و سازمانهای مدافع حقوق انسانی می خواهیم اقدامات موثری را برای پایان دادن به شکنجه و قتل وحشیانه زندانیان در ایران در دستور کار خود قرار دهند.

جان زندانیان بیشتری در خطر است، باید سریعاً اقدام کنیم.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران
۱۸ روردین ۱۳۹۰-۷ آوریل ۲۰۱۱

نیستند که با وجود بیماری در شرایط قرون وسطایی زندانهای ایران نگه داری میشوند. جان باختن زندانی سیاسی محسن دگمه چی در فروردین ماه امسال، در حالی که مدتها به سرطان پانکراس مبتلا بود اما مقامات رژیم تا آخرین هفته ها مانع استفاده او از امکانات درمانی شدند، نشان میدهد جمهوری اسلامی بطور سیستماتیک قصد نابودی این زندانیان را دارد.

جان سایر زندانیان بیمار در خطر است اسامی برخی از زندانیان دیگری که در حال حاضر در زندانها با مرگ تدریجی دست و پنجه نرم میکنند و به معالجات پزشکی در بیرون زندان نیاز فوری دارند:

۱- زهرا جباری: محکوم به ۴ سال حبس تعزیری، مبتلا به رماتیسم پیشرفته و پوکی استخوان و مشکلات شدید قلبی. وی در حال حاضر در حالت کما در بیمارستان بستری است.

۲- آرش صادقی: محکوم به ۵ سال حبس تعزیری، دچار شکستگی دندها به دلیل شکنجههای سخت و دچار حالت کما بر اثر اعتصاب غذا است.

۳- فرح اضعان: محکوم به ۱۷ سال حبس تعزیری و تبعید به زندان رجایی شهر کرج. دارای ناراحتی قلبی.

۴- کبری بنازاده: محکوم به ۵ سال، زندان رجایی شهر مبتلا به هپاتیت بی.

۵- حسین رونقی ملکی: محکوم به ۱۵ سال زندان، مبتلا به عفونت شدید کلیه.

۶- منصور اسانلو: محکوم به ۵ سال، زندان رجایی شهر. دارای ناراحتی حاد قلبی.

۷- مهدی محمودیان: محکوم به ۵ سال حبس تعزیری. دچار بیماری ریوی و مشکل تنفسی.

۸- شیرمحمد رضایی: محکوم به ۴ سال زندان در رجایی شهر. مبتلا به ناراحتی‌های گوارشی.

زندان، شکنجه و اعدام، ابزارهای جمهوری اسلامی طی ۳۲ سال گذشته برای ادامه بقا بوده اند. با اوجگیری اعتراضات مردم در دو سال اخیر، برای شکستن مقاومت زندانیان و در واقع مرعوب کردن کل جامعه، فشار بر زندانیان ابعاد گسترده تر و وحشیانه تری به خود گرفته است. عدم رسیدگی هایی پزشکی به زندانیان بیمار، محروم کردن آنها از امکانات درمانی، افزایش شکنجه های روحی و جسمی بر این زندانیان و در واقع قتل تدریجی و سازمان یافته آنها، در ماههای اخیر نگرانیهای زیادی در میان خانواده های این زندانیان بوجود آورده است.

زندان سیاسی هادی عابدی اخیراً طی نامه ای شرایط زندان و برخوردهای قرون وسطایی مسئولان زندان را توضیح داده است. او که از سال ۶۰ بر اثر اصابت گلوله دچار قطع نخاع و فلج بخشی از بدن است، از آبان ۱۳۸۸ برای گذارندن حکم ۲ سال زندان به زندان لاکان رشت که یک زندان عادی است منتقل شده است. در این مدت به دلیل شرایط زندان و عدم رسیدگی های پزشکی یکی از کلیه هایش نیز از کار افتاده و مثانه اش نیز دچار مشکلات جدی شده است که نیاز فوری به عمل جراحی دارد. اما مقامات زندان بدون توجه به بیماری ها و شرایط جسمی هادی، نه تنها او را همچنان در زندان نگه داشته اند، بلکه مانع عمل جراحی او و برخورداری از سایر امکانات پزشکی میشوند.

حامد روحی نژاد زندانی دیگری است که از سال ۱۳۸۷ دستگیر شده است ده سال زندان و تبعید به زندان زنجان محکوم شده است. حامد دچار بیماری ام اس میباشد و در این مدت به دلیل شرایط نامناسب زندان زنجان، بینایی خود را نیز از دست داده و تدریجاً در حال فلج شدن است، بدون برخورد از ابتدایی ترین حقوق یک زندانی یعنی درمان بیماری در بیرون از زندان.

هادی و حامد تنها زندانیانی

لغو مجازات اعدام

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

از "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری



مردم سلیمانیه نیروهای سرکوب دولت کردستان عراق را گوشمالی دادند

سخنرانی سمیر نوری در میدان زادی شهر سلیمانیه پنجشنبه ۳۱ مارس ۲۰۱۱



۴۴ روز از اعتراضات مردم آزادخواه شهر سلیمانیه و دیگر شهرهای کردستان می گذرد. در تظاهرات امروز موقعی که نیروهای سرکوب در مقابل تظاهرات کنندگان قرار گرفتند مردم آنها را با سنگ مورد حمله قرار دادند و آنها را گوشمالی دادند.

طبق گزارش خبرنگار حزب کمونیست کارگری از سلیمانیه، روز جمعه اول آوریل که از طرف انجمن موقت شهر سلیمانیه به جمعه خشم نام گرفته است از ساعت یک و نیم بعدازظهر همانند روزهای گذشته تجمع مردم شروع شد و مردم سلیمانیه بار دیگر بر خواسته های خود پا فشاری کردند و تصمیم به راهپیمایی در خیابان سالم گرفتند. هنگامی که مردم از میدان آزادی به سوی خیابان سالم حرکت کردند در خیابان مولوی نیروهای امنیتی شهر سلیمانیه در مقابل تظاهرات کنندگان قرار گرفتند. مردم نیز برای شکستن صف نیروهای امنیتی، با سنگ به آنها حمله کردند که منجر به زخمی شدن تعدادی از نیروهای امنیتی شد. نیروهای امنیتی با شلیک تیرهوایی مردم را از خیابان مولوی دور کردند. مردم دوباره با نیروهایی که در خیابان مسجد بزرگ مستقر بودند درگیر شدند و با سنگ به آنها حمله کردند.

حکومت کردستان بجای پاسخ دادن به خواستها و مطالبات مردم که ۴۴ روز متوالی در میدان آزادی تجمع کرده اند، نیروهای امنیتی و سرکوبگر خود را بجان مردم می اندازند. اعمال وحشیانه و ضد انسانی نیروهای امنیتی حاکمان ناسیونالیست کرد بار دیگر نشان داد که نه می خواهند و نه می توانند به خواسته های مردم جواب بدهند.

کمیته کردستان حزب به مردم آزادیخواه و برابری طلب شهر سلیمانیه و دیگر شهرهای کردستان درود می فرستد که با اتحاد و استقامت خود و برای تحقق خواست و مطالباتشان دمی از پای ننشسته و توانستند روز جمعه نیروهای امنیتی را گوشمالی دهند. ما همچنان از خواست و مطالبات مردم شهرهای کردستان عراق حمایت می کنیم و حمله نیروهای امنیتی به مردم و گزارشگران را محکوم کرده و از همگان می خواهیم که از اعتراضات و مبارزه مردم شهرهای کردستان عراق حمایت کنند و خواهان آزادی دستگیرشدگان روز جمعه شوند.

۱ آوریل ۲۰۱۱، ۱۲ فروردین ۱۳۹۰

تظاهرات در شهر سلیمانیه و دیگر شهرهای کردستان ادامه دارد

بزرگ رد می شدند نیروهای امنیتی مستقر در محل شروع به شلیک تیرهوایی کردند. مردم نیز متقابلاً با پرتاب سنگ به آنها حمله کردند. روز شنبه تعداد نیروهای سرکوبگر حکومت برای مقابله با مردم خیلی

بزرگ رد می شدند نیروهای امنیتی مستقر در محل شروع به شلیک تیرهوایی کردند. مردم نیز متقابلاً با پرتاب سنگ به آنها حمله کردند. روز شنبه تعداد نیروهای سرکوبگر حکومت برای مقابله با مردم خیلی

بعداز ظهر روز شنبه ۲ آوریل با وجود حضور نیروهای امنیتی در میدان آزادی، مردم معترض شهر سلیمانیه بار دیگر به قصد راهپیمایی به طرف خیابان سالم حرکت کردند. در حالی که مردم از کنار مسجد

همین روز مردم شهرهای دیگر از جمله: رانیه، حاجی آباد، دربندیخان و چمچمال، در حمایت از تظاهرات مردم سلیمانیه دست به تجمع اعتراضی زدند. منبع خبر- کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۲ آوریل ۲۰۱۱ - ۱۳ فروردین ۹۰

میگرفتند حمله میکردند و با کتک زدن و توهین و اهانت به آنان، دوربین یا موبایلشان را ضبط می کردند. تا لحظه ارسال این گزارش تعداد زیادی از گزارشگران، روزنامه نگاران و تظاهرات کنندگان دستگیر شده اند. از آمار زخمی شدگان تا کنون خبری در دست نیست. در

تونس را زد، ما نیز یاد محمد آزادی را با فشرده کردن اعتراضمان پاسخ خواهیم داد. یاد محمد آزادی گرامی باد. یادداشتی کوتاه از کارگری از کرمانشاه ۱۲ فروردین ۹۰

بلوک ۱۳ در میان غم و اندوه خانواده و دوستانش به خاک سپرده شد. یادش گرامی باد. ما با اعتراض علیه فقر و فلاکت، با اعتراض به بیکاری، یاد او را گرامی میداریم. همانطور که مرگ جوانی دستفروش در تونس جرقه انقلاب مردم

یاد محمد آزادی جوانی را که بخاطر فقر خود را کشت، گرامی میداریم

کشیده و به پایین پرتاب کرد. محمد در هنگام خودکشی با شعار مرگ بر خامنه ای، مرگ بر جمهوری اسلامی و با فریاد اینکه این رژیم عامل قتل من است، جانش را از دست داد. محمد هم کلاسی و همزمز کیا آسا دانشجویی که در خیزش انقلابی سال ۸۸ در کرمانشاه جان سپرد، بود. محمد آزادی ساعت دو بعد از ظهر امروز جمعه ۱۲ فروردین در باغ فردوس کرمانشاه در

به ترك دانشگاه و سپس دچار افسردگی شده بود. پدر او از طریق کار حلاجی و پنبه زنی روزگار گذرانده و با زحمت و تلاش و فلاکت بسیار آنها را به دانشگاه فرستاده است. او ۴ پسر و سه دختر دارد. که دو تا از فرزندانش کارگرد و دو نفرشان دانشجوی و بقیه تحصیل کرده و بیکار. دوستان محمد تلاش بسیار کردند که او را نجات دهند ولی او خود را از دست آنها بیرون

ساعت ۱۰ صبح روز ۱۱ فروردین جوانی دانشجوی به نام محمد آزادی فرزند حسین آزادی در اعتراض به فقر و بیکاری خود را از ساختمان ۵ طبقه ای در پاساژ ارک در شهر کرمانشاه به پایین پرتاب کرد و جان سپرد. جان سپردن او را به خانواده اش و همگان تسلیت میکنیم. محمد آزادی دانشجوی سال آخر رشته ریاضی بود و به خاطر فقر ناچار



نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتواند برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و

عامل فقر جمهوری اسلامی است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها

قبض ها را نپردازید

مبارزه علیه افزایش قیمت گاز و آب و برق و نپرداختن قبض ها چنان گسترش یافته است که جمهوری اسلامی توان مقابله با آنرا ندارد. وقت آن است که همه مردم از پرداخت قبض ها خودداری کنند و خواست رایگان شدن این خدمات را با صدای بلند اعلام نمایند. نه تنها آب و برق و گاز، بلکه طب و آموزش و پرورش نیز باید رایگان شود. این حق ابتدائی همه مردم است. هرماه

مبارزه علیه افزایش قیمت گاز و آب و برق و نپرداختن قبض ها چنان گسترش یافته است که جمهوری اسلامی توان مقابله با آنرا ندارد. وقت آن است که همه مردم از پرداخت قبض ها خودداری کنند و خواست رایگان شدن این خدمات را با صدای بلند اعلام نمایند. نه تنها آب و برق و گاز، بلکه طب و آموزش و پرورش نیز باید رایگان شود. این حق ابتدائی همه مردم است. هرماه

زندگی انسانی حق مسلم ماست

ای آزاد و مرفه و برابر زندگی کنیم. جامعه ای که انسان و پاسخگویی به نیازهای همه انسانها اساس آنست. جامعه ای که در آن مسکن و غذا و پوشاک و درمان و تحصیل با استاندارد قرن بیست و یکم حق تک تک شهروندان است. جامعه ای که در آن آزادی بی قید و شرط است، اندیشیدن بی قید و شرط

این شعار اعتراضات ما کارگران و معلمان است. این خواست قلبی همه ما مردم است. ما مصممین انقلابمان را تا به زیر کشیدن کامل حکومت اسلامی سرمایه داران و آیت الله های مفت خور و رسیدن به اهداف انسانی مان تداوم بخشیم. ما انسانیم و حق بی چون و چرای خویش میدانیم در جامعه

تراکت های حزب کمونیست کارگری ایران را

تکثیر و وسیعاً پخش کنید

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفاً قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23 ,account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

حزب کمونیست کارگری بر چند اقدام مهم زیر تاکید میکند:

۱- در همه محلات بطور جمعی تصمیم بگیرد که قبض ها را نپردازد. دست به تجمعات اعتراضی بزند و قبض ها را تحویل ادارات مربوطه بدهد.

۲- در صورت پیدا شدن سر و کله ماموران، بلافاصله همسایه ها را خبر کند. مطمئن باشید که با تجمع اولیه مردم، کسی جرات نمیکند گاز و برق و آب شما را قطع کند.

۳- پخش تراکت و شعارنویسی را در همه محلات گسترش دهد و اعلام کند که این خدمات باید رایگان شود و همه مردم را به نپرداختن قبض ها تشویق کند.

۴- خبرها را به ما برسانید تا از این طریق بقیه مردم مطلع شوند. این عامل مهمی در اشاعه این مبارزه است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ فروردین ۱۳۹۰، ۶ آوریل ۲۰۱۱

فراخوان حزب کمونیست کارگری... از صفحه ۱

اسلامی توان مقابله با آنرا ندارد. اعتراض چنان وسیع است که روزنامه آفتاب و جهان صنعت وابسته به رژیم نیز از "گسترش اعتراضات مردم" و شکایات مردم صحبت کرده و از قول مسئولین و نمایندگان مجلس میگویند "مردم شوکه شده اند، دولت و بسیاری از مسئولین و امام جمعه ها از گسترش اعتراضات نگران اند و ممکن است دولت مجبور به عقب نشینی شود."

بدلیل گسترده بودن اعتراض، جمهوری اسلامی جرات قطع گاز و آب و برق را نداشته و این زمینه مساعدی برای پیشروی مردم و شکست کامل حکومت ایجاد کرده است. نپرداختن قبض ها هم بدرجاتی فشار اقتصادی به مردم زحمتکش را کاهش میدهد و هم از نظر سیاسی، یک پیروزی برای مردم و جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی به شمار می رود. ما از ابتدا



کمپین برای آزادی کارگران زندانی

شاهلا دانشفر
shahla_daneshfar@yahoo.com
00447779898968

بهرام سروش
00447852 338334
bahram.soroush@gmail.com
کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد
باید گردد

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

مردم کرمانشاه هم از پرداخت قبض گاز خودداری کردند

در سندهج هزاران تراکت در مورد قبض ها میان مردم پخش شد

روز هزاران نسخه تراکت در میان مردم پخش شد که مردم را به پرداختن قبض های آب و برق و گاز تشویق میکرد. خبرنگار حزب میگوید که پخش این تراکت ها با استقبال گرم مردم مواجه شده و بدنبال پخش این تراکت ها شاهد بحث در میان جمع های مردم حول این مساله بوده است.

در چندین اطلاعیه در هفته های گذشته خبر تجمعات اعتراضی و مقاومت مردم در مقابل قبض های گاز را در شهرهای خرم آباد، ازنا، الیگودرز و درود و شانزدان اراک و هینتور در نجف آباد اصفهان به اطلاع رساندیم. حزب کمونیست کارگری مردم سراسر کشور را به تجمعات اعتراضی و پرداختن قبض آب، برق و گاز فرامیخواند. حزب کمونیست کارگری جوانان و مردم آزادیخواه و کلیه فعالین و دوستداران حزب را به دامن زدن به این مقاومت، پخش هرچه گسترده تر تراکت و اعلامیه در این زمینه و شعارنویسی بر در و دیوار شهرها فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران ۱۵ فروردین ۱۳۹۰، ۴ آوریل ۲۰۱۱

تر پیش آمده است و امروز بطور شفاف و با خواستهایی بسیار رادیکال و انسانی در مقابل ارتجاع اسلامی سرمایه داران ایستاده است. این را نه میشود کتمان کرد نه اجازه میدهیم به انحرافش بکشاند. شکست کنفرانس برلین به هیجده تیر و به ۱۶ آذرها و جنبشهای زنان و اول ماه مه و هشت مارسها و انقلاب امروز پیوندی تنگاتنگ دارد و در تاریخ این جامعه با دقایق خود ثبت شده است.*

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهلا دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

حزب را تخطئه کردند. و این نیز جنبه جالب توجهی از کنفرانس برلین و شکستش بود. اکثریتی توده ای ها بویژه کینه عمیق تری نسبت به حزب پیدا کردند. به این کنفرانس امیدهای زیادی داشتند. شکستهایشان را صابون زده بودند که بزودی دوباره فعالیت قانونی شان را در جوار جمهوری اسلامی شروع میکنند. تمام پروژه های چندین ساله شان در خدمت به جمهوری اسلامی ظاهرا داشت ثمر میداد. و حزب کمونیست کارگری کل باسطشان را بهم زده بود. اما تبلیغاتشان هم از همان قماش تبلیغات متعفن اسلامی ها بود.

اینکه حزبی ها لخت شده اند و رقصیده اند تم اعلیش بود. اینکه ما حزبی ها چاقدار هستیم و خشونت طلب هستیم. جالب نیست؟ برای نجات یکی از خشونت بارتترین حکومتها تاریخ گرد آمده اند و بعد به حزبی که کادریهای سخنرانی کرده اند و کنفرانسشان بهم خورده است اتهام خشونت طلبی میزنند! اغراق و برجسته کردن نیمه برهنه شدن یکی از زنان مخالف حکومت برای اعتراض به حجاب و قوانین اسلامی و سرکوب زنان نیز ظاهرا بدترین فحشی است که لیبرالهای متعفن اسلامی میتوانند به سوی مخالفینشان پرتاب کنند. همین تبلیغات نیز خود به هرکسی نشان میداد که تا چه حد تا مغز استخوان با ارتجاع اسلامی تنیده شده اند. رسانه هایی مثل بخش فارسی بی بی سی نیز به این تبلیغات تا آنجا که میتوانستند کمک کردند. جلوی اینها میکروفن گذاشتند و خود در وارونه جلوه دادن حقایق کنفرانس و ضد کنفرانس برلین فعالانه مایه گذاشتند. و جالب تر اینست که همین اخیرا هم به مناسبت دهمین سالگرد کنفرانس برلین در تلویزیونشان برنامه گذاشتند و یک کلمه از آنچه که همه میدانستند و از آن خبر داشتند، یعنی از نقش کادریهای حزب کمونیست کارگری در شکست این کنفرانس و سخنرانیهایشان سخن نگفتند. و آنچنان رپرتاژی تهیه کردند که گویی این کنفرانس به خوبی و خوشی پیش رفته است و گنجی و کدیور و بقیه آمده اند حرفشان را زده اند! اما طی چند سال گذشته هرچه بیشتر در این زمینه علیه ما حرف زدند به ضد خودشان تبدیل شده است. در یک کلام میتوان گفت انقلابی که اکنون در ایران در جریان است، ده سال پیش در جریان شکست کنفرانس برلین صدایش طنین انداز شد. و حزب انقلاب پا را وسط در گذاشت و اعلام کرد که نمیکذاریم حکومت منحوس اسلامی سرمایه

یازده سال پس از کنفرانس برلین

کاظم نیکخواه

اسلامی" بلکه برای حفظ نظام اسلامی تلاش و تقلا میکردند و این کنفرانس نیز قرار بود همین کار را بکند و سخنرانان اکثرا از "برو بچه های" سپاه و اطلاعات و دم و دستگاه سرکوب و جاسوسی حکومت بودند و در کنفرانس کذابی هم تا آنجا که فرصتی برای حرف زدن پیدا کردند از نظامشان و جنایاتش دفاع کردند. این کنفرانس در واقع پروژه نجات جمهوری اسلامی بود. و اگر اینچنین مفتضحانه شکست نمیخورد قطعاً سران اصلی حکومت هم با آن مشکلی نداشتند و احساس شادی و پیروزی میکردند. اما همانگونه که اشاره شد شهرت کنفرانس برلین بخاطر اینها نبود. بلکه آشکارا به دلیل شکست اینها توسط کادریهای حزب کمونیست کارگری و مردم سرنگونی طلب بود. بخاطر برافراشته شدن پرچم انقلاب و سرنگونی بر لاشه کنفرانس بود. این آن چیزی بود که کنفرانس برلین را به شهرت رساند. مقاصد پشت آنرا بر ملا کرد. و ضربه ای کاری به پیکر جمهوری اسلامی و جناح دوم خردادی آن و اپوزیسیون مدافع نظام یعنی کل جریانات لیبرال اسلامی زد. وقتی که با تظاهرات و شعار دادن مخالفین کنفرانس کذابی بهم ریخت، مینا احدی یکی از سازماندهندگان اصلی کنفرانس آرتناتیو حزب کمونیست کارگری در برلین پشت میکروفون رفت و گفت "من از طرف مردم ایران اعلام میکنم که جمهوری اسلامی باید سرنگون شود و مردم علیه تمام جناحهای حکومتند و اینها که اینجا جمع شده اند هیچ ربطی به مردم ندارند" (نقل به معنی) این پیام اصلی ای بود که با شکست کنفرانس برلین به بیرون رفت و حتی در بارگاه جماران طنین انداخت. امروز در حالیکه انقلاب در خیابانها به حرکت در آمده است، آیا روشن نیست که چقدر این جمله بی کم و کاست حقیقت را بیان میکرد؟ به این مفهوم وقتی که امروز سران رژیم میکوبند "جریان فتنه" از کنفرانس برلین شروع شد، در واقع دارند به پرچم انقلاب و کیفرخواست کادریهای حزب کمونیست کارگری و سایر مردم سرنگونی طلب علیه سرتاپای حکومت اشاره میکنند. با شکست کنفرانس برلین نام حزب کمونیست کارگری نیز وسیعاً در ایران بر سر زبانها افتاد. مردم سرنگونی طلب و منزجر از حکومت با شور و شوق به ما پیام دادند و دست مریزاد گفتند. اما کم نبودند کسانی که با همان زبان آخوندی به حزب کمونیست کارگری حمله کردند و دشنام دادند و

العمل به همین نوع تبلیغات جمهوری اسلامی بود و به همین دلیل آنرا اینجنا عینا بازچاپ میکنیم:

ده سال پس از کنفرانس برلین

این روزها مصادف با دهمین سالروز کنفرانس برلین است. کنفرانسی که نه خودش بلکه شکستش و پرچمی که علیه بلند شد، مثل بمب در فضای سیاسی ایران و حتی جهان ترکید و مدتها به صدر اخبار رفت. این روزها که فریاد سرنگونی از سراسر جامعه به گوش میرسد، چقدر یادآوری کنفرانس برلین و جریان به شکست کشاندن آن بجا و درس آموز است. مدتی پیش یکی از سران حکومت اسلامی در مورد کنفرانس برلین گفته بود که "جریان فتنه از کنفرانس برلین شروع شد". و سایت سپاه پاسداران بنام "جوان آن لاین" در نوشته ای به مناسبت دهمین سالگرد کنفرانس برلین اینطور نوشته است: "این روزها دهمین سالگرد واقعه ای است که در اذهان عمومی جامعه به کنفرانس ننگین برلین شهرت یافته است. کنفرانسی که در اواخر فروردین سال ۷۹ یعنی قریب به دو ماه پس از برگزاری انتخابات مجلس ششم که به پیروزی اصلاح طلبان با محوریت مشارکتی ها انجامید و در آن ۱۷ نفر از عناصر دگراندیش از جمله یوسفی اشکوری، جمیله کدیور، علی افشاری، اکبر گنجی، علیرضا علوی تبار، عزت الله سبحانی، محمود دولت آبادی و... به میزبانی بنیاد هایتزیش بل و حمایت حزب سبزهای آلمان برگزار شد تا مثلاً درباره آینده ایران همناندیشی شود. هدف اصلی برگزارکنندگان این همایش فرو ریختن دیوارهای نازک میان اپوزیسیون داخل و خارج نظام اسلامی بود تا بتوانند در یک جبهه متحد علیه نظام اسلامی مبارزه کنند." حقیقتی در این گفته ها وجود دارد و حقیقتی کتمان میشود. و این هردو مهم است. آنچه حقیقت دارد اینست که کنفرانس برلین پروژه ای بود که قرار بود از طریق آن اپوزیسیون دوم خردادی بیرون نظام با جناح "اصلاح طلب حکومت"، پیوندی محکمتر برقرار کنند و از این طریق پای جمهوری اسلامی "اهلی شده" را به سطح بین المللی و به میان ایرانیان در خارج کشور باز کنند، و راه مقبولیت جمهوری اسلامی در میان دولتهای غربی را هموار نمایند. و آنچه کتمان میشود این است که این جماعت نه "علیه نظام

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!